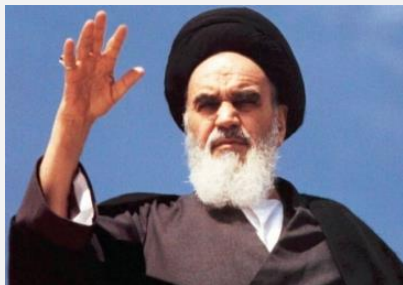


پیامی که امام خمینی (ره) به مردم تبریز داد

در روند انقلاب اسلامی روزهای سرنوشت‌ساز متعددی را می‌توان برشمرد.



در روند انقلاب اسلامی روزهای سرنوشت‌ساز متعددی را می‌توان برشمرد. قیام مردم تبریز در چهلمین روز شه‌های ۱۹ دی قم، روز ۲۹ بهمن را در جایگاه یکی از روزهای سرنوشت‌ساز قرار داد. مردم آذربایجان که همواره به دفاع از ارزش‌های دینی و پاسداشت استقلال و عزت ملی پیشقدم بودند، در این روز حماسه‌ای نو آفریدند.

به گزارش ایسنا، پایگاه «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» در ادامه نوشت: به همین مناسبت حضرت امام خمینی در روز ۸ اسفندماه پیامی صادر کردند و در آن ضمن اشاره به تدین، شجاعت و غیرتمندی مردم تبریز، عمل انقلابی آنان در ۲۹ بهمن را ستودند و ضمن اشاره به سرسپردگی‌ها و جنایات رژیم شاه، با توجه به خیزش همگانی مردم ایران پیروزی نهایی را نوید دادند.

متن این پیام حماسی و شورانگیز را در ادامه می‌خوانید:

«سلام بر اهالی شجاع و متدین آذربایجان عزیز! درود بر مردان برومند و جوانان غیرتمند تبریز! درود بر مردانی که در مقابل دودمان بسیار خطرناک پهلوی قیام کردند و با فریاد «مرگ بر شاه» خط بطلان بر جزافه‌گویی‌های او کشیدند! زنده باشند مردم مجاهد عزیز تبریز، که با نهضت عظیم خود مشقت محکم بر دهان یاهو گویانی زدند که با بوق‌های تبلیغاتی انقلاب خونین استعمار را که ملت شریف ایران با آن صد درصد مخالف است «انقلاب سفید شاه و ملت» می‌نامند و این نوکر اجانب و خودباخته مستعمرین را نجات‌دهنده کشور می‌شمارند.

مردکی نجات‌دهنده کشور است که مخازن بزرگ ثروت این ملت مظلوم را دو دستی تقدیم اجانب نموده، و آن پول ناچیز را که می‌گیرد تقدیم می‌کند و در مقابل، آهن پاره‌هایی می‌گیرد که هیچ دردی از ملت دوا نمی‌کند! آن شخصی نجات‌دهنده است که با مصونیت دادن اتباع اجانب، کشور را از حیثیت ساقط و به شکل مستعمره عقب‌افتاده درآورده است! مردکی حافظ آزادی ملت است که در سرتاسر کشور، احدی را حق یک کلمه حق‌گویی و انتقاد نمی‌دهد و پلیس‌ننگینش بر سر این ملت مظلوم سایه افکنده! شاهی عدالت‌گستر است که در هر چند گاهی، با قتل عام، ملتی را به عزا می‌نشانند!

من نمی‌دانم با چه زبانی به اهالی محترم تبریز و به مادران داغ‌دیده و پدران مصیبت‌کشیده تسلیت بگویم؛ با چه بیان این قتل عام‌های پی‌درپی را محکوم کنم. من از مقدار جنایات و عدد مقتولین و مجروحین اطلاع صحیح ندارم ولی از بوق‌های تبلیغاتی معلوم می‌شود که جنایت‌ها بیش از تصور ما است. با این وصف، شاه افراد پلیس را که به قتل عام به دلخواه او دست‌زده‌اند به محاکمه می‌خواهد بکشد. خاطره بسیار آسف‌انگیز قم هنوز ما را در رنج داشت که فاجعه بسیار ناگوار تبریز پیش آمد که هر مسلمانی را رنج داد و ما را به سوگ نشانند.

من به شما اهالی معظم آذربایجان نوید می‌دهم، نوید پیروزی نهایی. شما آذربایجانیان غیور بودید که در صدر مشروطیت برای کوبیدن استبداد و خاتمه دادن به خودکامگی و خودسری سلاطین جور‌بیاخاستید و فداکاری کردید. استبداد محمدرضا خان پهلوی و پدر روسیاهش روی سلاطین مستبد را سفید کرد. تاریخ ایران به یاد ندارد این چنین سفاکی و قتل عام پی‌درپی را که به دست این یاغی سفاک انجام می‌گیرد. تاریخ مشروطیت به یاد ندارد این چنین مجلس‌سنا و شورا را که اهالی محترم متدین آذربایجان را مشتی اوباش و بی‌دین معرفی کنند؛ از مجلسی که دست‌نشانده شاه است بیش از این توقع نیست. اکنون بعد از آن همه کشتار و جنایات تبریز و آن همه خونخواری‌های شاه، مشتی سازمانی را با کارگران مجبور با سرنیزه، در گوشه و کنار کشور به راه انداخته تا با عربده کشیدن و به نفع دستگاه جنایت و خیانت تظاهرات به راه انداختن، می‌خواهند لکه‌های ننگ را از سر و صورت این مستبد خونخوار شستشو کنند؛ غافل از آنکه با آب زمزم و کوثر هم محو نخواهد شد. تاریخ، رنج‌های ملت و ستمکاری و جنایات این پدر و پسر را ضبط کرده و در فرصتی منتشر خواهد کرد.

من الآن که مشغول نوشتن این غمنامه هستم، نمی‌دانم که به برادران عزیز تبریزی ما چه می‌گذرد. آیا شاه به جنایات خود- و لو موقتاً- خاتمه داده است یا نه؟ آیا می‌خواهد پس از آن قتل عام، بازماندگان را چنان سرکوبی کند که نفس‌ها قطع شود؟ لکن باید بداند که دیر شده؛ ملت ایران راه خود را یافته و از پای نمی‌نشیند تا جنایتکاران را به جای خود بنشانند و انتقام خود و پدران خود را از این دودمان سفاک بگیرد.

با خواست خداوند قهار، اکنون در تمام کشور صدهای ضد شاهی و ضد رژیم بلند است، و بلندتر خواهد شد؛ و پرچم اسلام بر دوش روحانیون ارجمند، برای انتقام از این ضحاک زمان، به اهتزاز خواهد درآمد؛ و ملت اسلام - یکدل و یک جهت - به پاس از مکتب حیات بخش قرآن، آثار این رژیم ضد اسلامی و مروج زرتشتی را محو خواهد کرد. «أَلَيْسَ الصَّبْحُ يَقْرِيْبِي؟!»

اهالی معظم و عزیز آذربایجان - ایدهم الله تعالی - بدانند که در این راه حق و استقلال و آزادی طلبی و در حمایت از قرآن کریم تنها نیستند؛ شهرهای بزرگ چون شیراز، اصفهان، اهواز و دیگر شهرها و مقدم از همه قم مرکز روحانیت و پایگاه حضرت صادق - سلام الله علیه - و تهران بزرگ با آنها هم صدا و هم مقصد، و همه و همه در بیزاری از دودمان پلید پهلوی شریک شمایند. امروز شعارها در کوچه و برزن هر شهر و هر ده، «مرگ بر شاه» است و هر چه عمال کثیف کوشش می کنند که جنایات را از مرکز اصلی که شاه است منحرف و به دولت یا مأموران متوجه کنند، کسی نیست که باور کند.

عجب آنکه از قرار مسموع هیأتی از دستگاه به آذربایجان آمده است که بیخبری شاه را از این جنایات اعلام کند و آن کس که احتمال آن را بدهد کیست جز سازمانی ها و اعضای مجلسین که آنها هم احتمال نمی دهند و تظاهر به خلاف می کنند.

از خداوند تعالی اصلاح امور مسلمین و رفع شرّ اشرار و محو آثار این دودمان را خواهانم. و السلام علیکم و رحمة الله.»